

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیه (جبل‌المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر: میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره: آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطره
دو قران است

(روزنامه یومیه من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بالمضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

سه شنبه ۹ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۹ دیمه جلالی ۸۲۹ و ۱۴ زانویه ۱۹۰۸ میلادی

(لایحه وطن پرستانه)

بقول جناب حکیم دانشمند پرنس ملکم خان کشتی دولت
ایران در این دریای پرخطر بتحریر بادهای مخالف در قرب
دشمنان بی باک بهمه اطراف و ورطه های هایل بی اختیار دور
میزند تا آخر
اگر بخواهیم غفلت امنای این دولت را ذکر کنیم جز
افسوس گذشته و خوردن خون جگر حاصل ندارد امروز
روزی است که باید اهالی این کشتی طوفان خورده که گرفتار
امواج چهار کانه شده راه نجاتی پیدا نمایند شاید از این
گرداب هولناک و طوفان حوادث نجات یابند اگر چه جهالت
و بی علمی و غفلة و خود غرضی بقدری در عموم اهالی ایران
طبیعی شده که جمعی بکلی از نجات مایوس و جمعی از عدم
غیرت فطری و عصیة منتظر ورود اجانب و تقدیم ناموس
خود میدانند جماعتی دنیارا آب ببرد و طوفان نوح تجدید
یابد مداخل و ریاست و تاراج را از دست نیندهند
چون در اخبار جبل‌المتین نمره ۱۵۰ ذکر از
مکتوب کلنل بات و رونامه طیمس و معاهده دولین روس
و انگلیس ذکر شده لازم دانست نطق یکی از رجال محترم
انگلیس را که با کلنل بات هم عقیده است عرض کنم که مشار الیه
بقدری از این معاهده کف افسوس بهم سائیده با نکارنده ذکر
معاثب او را نموده (میگوید خین تعجب است که از بی خبری و
بی اطلاعی نیکون سفیر کیرانگلیس ووز را ووز خارجه ما
که بکلی از این وصیه بطر کیر باخلاف خود که گفته است دولت
روسیه را باید در جنگ دائمی نگاهداشت و این نکته را همیشه در نظر
گرفت که تجارت هند تجارت دنیا است هر کس این تجارت را بدست
بیاورد یعنی هند را تصرف نماید مالک مطلق کل ممالک فرنگستان است
انتهی: آیا دولت روس خیالی را که صد سال است در عروق و شرعین

انها جایگیر شده بهمین زودی از خود سلب خواهد کرد در
صورتیکه در جنگ سپستان پول دولت انگلیس سعی داشت بکلی بنیاد
دولت روس را قلع و قمع نماید خین افسوس است که رجال دولت
انگلیس اینقدر ساده لوح و زود باور باشند و نینداند امروز دولت
روس بواسطه اغتشاش داخلی مملکت و احتیاج بقرض و ندادن
فرانسه ها بجهت تصرفات غیر مشروع در داخله فرانسه و طمع و
حرص زیاد ناچار بود که بهمه قسم تکالیف دولت انگلیس تن در
داده معاهده بهتر از این باماناید و حال آنکه حق دولت انگلیس این
بود که در تمام روی زمین نسبت به ایران که بکدغه بدوستی او اطمینان
بهمر سائیدند این جور بی حقوقی خود را اثبات نماید امروز
اهالی ایران از محکمت و زیاد رویهای دوست شمالی خود
بقدری بستوه آمده بودند که امکان داشت تجارت دولت
انگلیس بقدر صد سال در ایران ترقی نماید و ممکن بود
بقسمیکه انگلیس با افغانستان توجه نموده در عرصه چند سال تمام
ایلات فارس و کرمان و سیستان و غیره را دولت ایران همراهی آن
دولت تربیت نموده سدی بزرگ تر از افغانستان جلوه خریف در برینه
خود بگذارد زیرا که امروز تمام ممالک ایران برای خیالات آتیه و
دوستی انگلیس حاضر بودند علاوه از این حرکت دولت انگلیس
بکلی اطمینان افغانستان بلکه تمام خوانین بلوچستان که هنوز باسی
پیرانهاست از انگلیس تمام شد چگونه تمام نشود در صورتیکه
محرک تغییر سلطت ایران را از مستقله بشروطه عموم کرمانش
انگلیس را میدانستند یکدغه خود را بدنام نموده تمام یکدولت قدیم
ایران را واکتار بدشمن در برینه خود نمود و عمایر بی دولت
شمالی مجدد خود را ساخته باندک انقلاب و تغییر پلتیک حمله کرده
مملکت هند را تصرف خواهد کرد و صفحه انگلستان را
تاریک خواهد نمود
اگر بخواهیم تمام ممالک این شخص محترم

انگلیس را عرض کنیم در این ورقه کجایش ندارد علاوه آنها خود دانند ما را اینکه قم بهتر است یا کاشان کاری نیست علاج درد بیدرمان ماها چیست اول علم است که نیست دویم پول است که قحط است سیم مرد است که مرده است تفاق بقدری در تمام ایران زیاد شده که گویا حالا موقع بکار بردن آن رسیده بعضی صاحبان ادیان در صورتیکه مشاهده مینمایند نزدیک است وطن آنها را اجانب تصرف نماید تازه داخل مشروطه خواهان افتاده مدعی های خود را پایمال مینمایند اخبارات بعضی بهوض اینکه عموم ملت را دعوت به اتساق نمایند تازه میخوانند اصلاح دین ایرانیان را نموده مقاصد مکتونه خود را در لباسهای رنگارنگ جلوه داده آخر ای مؤمن اول خانه خود را ثابت کن آنوقت دین ما را اصلاح کن امروز باید از اتساق سخن گفت باید علاج درد بی درمان ما را نمود راست است علمای دنیا پرست یا ملا نماهای ایران ملة را بیدین و جاهل نموده لاکن هنوز کسانی هستند از علما که حافظ دین اسلام باشند بیدجوچه لازم نیست در اینموقع اخبارات در این مطالب داخل شده هر روز احداث کفتکو های تازه کرد اغلب اشخاص مفسد در صدد تشکیل انجمن بر آمده خیالات مکتونی خود را میخوانند انجام دهند که بعضی از آن انجمنهارا بمرض خواهد رسانید

چون در نمره ۱۵۱ یکی از وطن پرستان راه چاره یا علاج فوراً اینطور بیان فرموده که اهالی ایران طلای زبور زندهای خود را بیاتک ملی داده باشند البته از راه حب وطن و فرط غیرت مندی این رأی را اختیار فرموده است که سامان و زبور زندهای خود را ملة صرف حفظ وطن نماید خدا میداند در انعقاد شرکه عمومی خیلی از زنها زبور خود را فروخته یا عین اشرفی و لیره حاصل یکمرا را تسلیم نموده حالا از تمام بلدان بمجلس مقدس شکایت نموده در صورتیکه با وجود اوراق خود شرکت محتاج بهیچ شاهد وینه و اثبات شرعی و عرفی نیست بمهور بمهر ۱۷ نفر اعظم تجار ایران که خود آنها و اولاد آنها ضمانت دارند و سبب از برای گرفتن وجوه مردم آنها شده فریاد رس نیست و اعضای مجلس مقدس رجوع ببدله میفرمایند گاهی بمرافعه و محاکمه شرعی استدلال میفرمایند دیگر بچه امید و بچه اطمینان مردم طلای زندهای خود را تسلیم بانک نمایند

بلی اگر مجلس مقدس در عرصه یکسال یک همچو امر واضعی را با آنها به قدرت قیصل فرموده حقوق شرکای بیچاره را وصول فرموده بود امروز جاهای خود را نیز مردم تقدیم میکردند — عموم شرکاه عمومی شکایت

آنها از مجلس مقدس زیاد تراست از تجار ضامن صحت عمل عمومی آیا چه جواب میفرمایند در صورتیکه مکرر ماها را امید وار بادای حق ماها فرموده اند — آیا شایسته است که باز فراموش فرمایند سرمایه بانک ملی معوق است باینکه تمام ملة این وجه را تقسیم نموده به پردازند پس از اطمینان و استقرار و استحکام عمل خود مردم طلای خود را خواهند داد بیست کرور نفس یکی پنجتومان توجیه و تقسیم نموده پردازند هر کس دارای دولة زیاد است زیادتیر و هر کس نیست کمتر باین طریق که اول تعداد نفوس عموم مملکترا نموده هر طبقه را جدا گانه از ملاک و تجار و اصناف و اعیان و بزرگان مملکت معین نموده نسبت به طول و ملک و دولة خود یکتفر فقیر است معاف باشد یکی قابل پنجقران یکی یکتومان یکی صدتومان یکی هزار تومان یکی ده هزار یکی صد هزار امروز آن وجه را داده از فقرارا بعد از یکسال رد نمایند زیرا که حساب آنها اسباب زحمة است بهرحال اگر علما و بزرگان مملکت خواسته باشند همه خود را صرف نمایند در نهایت سهولة بانجام میرسد صد کرور جمع شده لوازمرا حفظ نموده زیادهای را مصرف کار خاتمات کرده معلم از زر دشتی و سایر اهالی ایران آورده تدریجاً خود را از احتیاج خارجه میتوانند نجات دهند متلاچلوار متقال ناشورقند جای کریت جیت ماهوت و غیره از لوازم زندگانی ماها میباشد یکی یکی کارخانه با معلم آورده در هر شهر که استعداد آن زیادتر است بگذارند و باحب وطن پرستی بهمان جنس خود قناعت نمایند در عرض ده سال هزار کرور ثروت ایران در خود داخله مصرف خواهد شد همینکه دست تجارت اجانب کوتاه شد دیگر بهانه حفظ مملکت ما و تجارت خود را ندارند شاید این عرایض را حمل به بی اطلاعی نویسنده نمایند نه بخدا از خود شما انصاف میخوانم یک چلوار سفید را استعدا دارم حساب نمائید در هر شهر چه قدر مصرف دارد یک کریت را حساب نمائید روزنامهها باید امروز این جور مطالب را درج نمایند حالا دیگر ذکر معایب کافی است ماها سر تا پا معیوب یکی نیست دو تا نیست محض رضای خدا چندی علاج حفظ وطن را مرقوم دارید.

سالی بیست کرور کفش میخوانم بیست کرور جوراب میخوانم چه میخوانم چه میخوانم یک از لوازماترا که در داخله خود احداث نمائیم کرورها فایده ما میباشد کرورها تریاک را دود کرده بهوا صمود می نمائیم کدام انجمن ما بجهت احداث صنایع قائم شده تمام انجمن ها مکرر معدودی غرض و مرض آنها فساد و خود را داخل کار کردن فساد نمودن راه مداخل

خواهد بخشید مجلس برای مذاکرات این امور سری شد
 — مکتوب از قفقاز —

حضور مبارک جناب مدیر جریده حبل المتین دامت
 افاضاته معروض میدارد که جریده مبارکه نمره ۱۵۱ راقرائت
 نمودم الحاق کنجی است مملو از دراز پروردگار همیشه تا شید و توفیق
 حضرت عالی را مشتک میکنیم شرحی در باب قناعت بملت
 نجیب ایران توصیه و درج شده بود که بجهت دائر شدن بانک
 ملی چون امروز پول مسکوک موجود نیست اگر حجج
 اسلام ادا بالله توفیقاً امر فرمایند که ملت اسباب طلا و نقره
 والات زینت انانیه را بدهند سکه نموده و در بانک بگذارند
 هم منافعی بخود ملت عاید بگردد و هم ثروت مملکت
 افزوده میشود تجارتها افتتاح و کپاتیها دایر خواهد شد
 جای تاسف از عدم مسکوکات داخله بود که عرض میکنم
 مگر ماملت سکه و ضرابخانه نداشتیم پس دلیل چیست که از
 میان رفته و غیر از کاغذ و حواله زبانی چیزی درین نیست
 مگر این نیست که قهرمانان خارجه بسی و حیله هر روز اسباب
 خرابی ما را فراهم کرده اند سکه نقدی ما را میبرند و در عوض
 آن مال التجاره بوج و زهکیر شیشه از قیل بلور آلات
 و منسوجات حریر که در بدر کنند و دلیل نمابنده مامسلمانان
 است میدهند کیرم اسباب طلا و نقره ملت مسکوک و در
 بانک من گذاشته شد مگر نه اینکه بانک به تجارت داخله این
 وجه را قرض میدهد آنوقت تجارت برای چه و در کدام محل
 تجارت خواهند کرد جز اینکه بی دربی برات خارجه گرفته
 یا نقداً بخارجه بفرستند و در عوض قندو چائی وارد
 کنند هر قدر سکه ماباشد محل حواله آن همین تجارت قد
 و چائی است که چون ازدها کامش را کشوده و مسکوکات
 ما را با هزار چیز دیگر می بلعد و بازنقره هل من مزید میزند
 همچنین سایر متاع خارجه از برکت مسکوکات و احتیاج
 مالیرانیان است که دولت روسیه صاحب سیصد فابریک قد
 شده در اینصورت لازم است اسباب طلا و نقره کداخته و
 سکه شود با این وجود بازماده مایه امید واری و اینست ماست
 معلوم است اگر سکه شود با این ازدهای خارجه یک نفس
 کشیدن بلغ خواهد کرد آیا این است وضع قناعت؟ مادامیکه
 این سم مهلك قد و جای را ترك نموده ایم سکه روز بروز کمتر
 و ثروت ساعت بساعت پست تر خواهد شد و حال آنکه این
 سم مهلك کننده عمومی است اگر رؤسای اسلام متدرجاً
 حکمی فرمایند که این سم مهلك را از میان بردارند امیدواریم
 باندک زمانی موقوف شود تصور فرمائید سالی چند کرور
 پول بخارجه رفته و همین زهر قاتل را حمل نموده میاورند و بخورد
 مامیدهند در هر بلد ایران هر مال التجاره که ملاحظه شود
 دهمک جنس خود داخله نیست همه ماها دلال و حمال فرنگیان
 شده ایم (وطن خواه سلماسی)

پیدا کردن است یا بد نوشتن و رشوه خواستن من در ایران
 از تمام دنیا زیاده تر است یکمن سه تومان باید از خارجه
 خریده بزرحت وارد نمائیم هزارها معلم ایرانی مسلمان
 هندی قد هاری کابلی در خارجه موجود است هنوز یک
 شمع یک کریت یک سوزن یک ریسمان یک کفش در
 ایران نداریم و فرد فرد ماها خود را عقل کل و مری
 نوع میدانیم مجلس بزار است از این مشروطه خواهان
 مفسد بی دین که خود را در لباس زهد در آورده ایران
 را به باد میدهند و عوام کالانامرا فریب داده چه فسادها
 برپا می نمایند خداوند بنیاد آنها را قلع فرماید
 (خلاصه مذاکرات دار الشوری یکشنبه ۷ ذیحجه)
 اظهار شد اشخاصی که از دست جهان شاه خان مدیست
 متظلمند و خودش احضار شده از انجمن ولایتی زنجیان
 و از خلخال و کروس و از علماء و غیره هم تحقیقات
 شده و تمامی مسئله ظلم و تعدی او را نوشتند و فخر الملک
 هم نوشته که من همه قسم نظم و تأمین دادم ولی بستگان
 جهان شاه خان دست از شرارت بر نمیدارند با این ترتیب
 یا باین بیچارها وعده ختم عمل داده و یا جواب کرده بروند
 یا تحقیق و رسیدگی نموده اموالشان استرداد شود گفته
 شد که آنها هم حق دارند ولی ورود جهان شاه خان معادف
 با این انقلابات شده و حال بوزیر عدلیه سفارش شده از
 طرف مجلس هم تأکید اخیری بایشان نوشته میشود بلکه
 یک نفر هم برای مطالبه رسیدگی از طرف مجلس معین
 میشود که زود تر تحقیقات بعمل آمده اینها راحت شوند
 اظهار شد که چون در سابق از اشخاص متوفی ثانی
 از حقوقشرا کسر میکردند و در زمان مشروطه این
 مسئله همین طور مانده وارث متوفیات در اینخصوص بوزیر
 مالیه سخت گرفتند حال چند ماده قانون در این باب
 نوشته شده بعد از قرائت آنچه مجلس تصویب کرده
 بصره رسیده مجری شود قانونی که مشتمل بر چند ماده
 بود قرائت شد و قرار شد که در دفعه دوم مباحثه شده
 در قرائت سیم رأی بگیرند و اظهار شد دو مطلب دیگر
 یکی در خصوص تومان هفت هزار که در زمان توشیح بصره
 همیونی میکردند اگر حال تصویب میشود گرفته صرف
 معارف بشود و دیگر اینکه هر کس سی تومان یا کمتر حقوق
 داشته باشد ثلث آن کم نشود گفته شد که اینها باید
 جزو قانون شده در آنها مذاکره شود اظهار شد که
 اگر مطلبی نیست دو مجلس مهم داریم که باید مخصوص
 باشد یکی در مسئله آذربایجان و دیگر در اصلاح بین دولت
 و ملت که اقداماتی شده و انشاء الله همین دوروزه بکلی
 اصلاح خواهد شد گفته شد که اول مقدم اصلاح ذات
 الین است تا آن حاصل نشود مسئله آذربایجان هم نیجه

— جبل المتین —

بیانات صاحب مقاله خیلی اسباب اتباه و مهج غیرت برادران وطنی است و دلیل بر حیت و تمصب ایشانست بر استخلاص از این تنگنای ذلت و هلاکت و محزون بردنشان از اوضاع حزینا نیز حالیه مملکت ولی شرح که مادر خصوص مسکوک نمودن طلا و تفره الات نکاشته بودیم عرضمان این بود که برادران وطن و دینی بدانند که امروزه ایجاد بانک ملی باندازه بر ما حتم و واجب است که باید نهایت جدوجهد را کرده و بانچه مقدور میشود حتی فروختن لباس و اساس خانه این سرمایه عزت و سعادت را بر اندازیم و بدائیم که بدون دایر شدن بانک هرگز اداره مایت و دولت ما نخواهد گردید و بی وجود بانک صاحب هیچ نخواهیم شد بلکه آنچه هم که داریم از دستمان خواهند برد پس در این صورت مسکوک کردن طلا و تفره که سهل است بر ما واجب است که از نان یومیه مان بریده و این کوهی کران بهارا بچنگ آریم راست است ما امروز از سر تا پا محتاج اجانبیم گذشته از قند و جای که کرور و حریر بفرنیگان محتاجیم ولی احتیاج خصوص در چیزهایی که عادت شد جلو گیریش ولو بحکم فتوا باشد پیش رفت حسابی نمیکند پس چیزیکه ما را از تنگ فقر و هلاکت و چنگ ذلت و فلاکت نجات بخشد همان بانک ملی است اگر انشاءالله بانک دایر شد انوقت ما مردم می فهمیم که مخارج یکسال قد و جانیرا که تری دو سیر حساب کنیم اگر روی هم بگذاریم بقدر کفایت مابلیکه بیشتر کارخانه قند سازی دایری کند و بهمین وسائل تدریجاً از ذلت احتیاج میرهیم یا آنکه لااقل بقدر احتیاج سعی در تحصیل چیزهاییکه ایشان محتاجند میکنیم از قبیل ترقی در امر فلاح و توسعه زراعت و کاشتن پنبه و شلتوک و غیره یا استخراج معادن و فلزات پس در این صورت بهر وسیله که هست باید بانک ملی دایر شود که سلب احتیاج از اجانب بدون آن محال و ورشته بقای دولت و استقلال سلطنت بقائمه بانک ملی بسته است و پس و اینکه هر قوم فرموده اند الات طلا و تفره مایه امید واری واپسین است کان نمیکند که شدنی بالاتر از این رو دهد که اجانب بطمع ملک ما دندان تیز کرده و قصد ستیز حاضر باشند و دزدان خانگی هم و اما شده و محرك گردیده بخواهند استقلال دولت شش هزار ساله را خاتمه بدهند و هر روز در یک گوشه بقتل و غارت و هرساعت در ناخچه بهیشما و چپاول مشغول گردند امروز ملة ایران را جان بلب آمده و نفس بشماره افتاده اگر در فکر خلاصی از این کرداب نباشند و آب از سر بگذرد بقیئادست و یاد در غرقاب فایده ندهد باینکه در خصوص بانک ملی و لزوم آن مکرر بحث شده در مجلس مقدس بمرا تب گفتگو در این باب شده و ارباب جراید هر یک يك كتاب نوشته اند و اجمیت

انرا چون آفتاب بنله روشن کرده اند باز در عهده تمویق افتاده و آنچه لازمه اقدامات ملی است نشده

— (مکتوب شهری) —

خدمت ذی شرافت مدیر محترم جریده مقدسه یومیه دامه برکاته زحمة عرض میدهد

در شماره ۲۰۸ و ۲۰۹ جریده فریده صبح صادق مکتوبی بامضای جناب جهان شاه خان درج شده بود و قسمهای مغلفه در برات ذمه خود بیا کرده و نهایت مظلومیه و بیطرفی و حقانیه برای خود ثابت کرده بود سبحان الله غریب عالمی است تا کی خلاف لباس محنت می پوشد و ظلمهای فاحش چندین ساله را کر به و ناله مصنوعی رفع میکند العجب ثم العجبا کر چه تصور محال بحال نیست ولی نه باین درجه که توان گفت جناب جهان شاه خان باین تعرفه کامی که دارند مظلوم و رعایای بیچاره و اهالی خسته نسبت بساحت قدسیه ایشان ظالم اند عریضه اشتباه کاری به پیشگاه مجلس مقدس شید الله ارکانه و ابطال خسارات وارده بر این بنده و سایر متظلمین خسته را نمی کند مقام منبع حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی امام جمعه خوئی دامه برکاته منزله از این است که با دادن يك عریضه آم و ناله مصنوعی از حقوق ایانی وطن و برادران نوعی خود صرف نظر فرمایند وضع این دوره ربطی بسابق ندارد که روغن مالی امر را مشتبه سازد امروز بعون الله تعالی دولت ایران مشروطه است و کلاهی مجلس مقدس که زمام امور سی کرور بخلاق ایران در کم کفایت و دیانته ایشان است مجازات ظالم و انتقام مظلوم را موافق قانون مقررده خواهند فرمود چون جناب جهان شاه خان عنوان عریضه شاترا حضور مبارک حضرت آقای امام جمعه عرض کرده اند لهذا بنده هم برای رفع اشتباه عریضه حضور حضرت معظم له عرض و تقدیم داشته ام از جناب مستطاب عالی استدعا دارم که بمقتضای علم نوع پرستی و اعانت مظلومین این عریضه بنده را با سواد عریضه حضرت آقای امام جمعه دامه برکاته در جریده فریده محترمه ثبت و مندرج فرمایند تا مردمان غیر متمند نوع پرست از این اشتباه بیرون آمده صحت و سقم این فقرات را با وجدان سلیم خود درک فرمایند منبع الدوله

— اخطار —

فردا که روز چهار شنبه دهم ذی حجه است بمناسبت عید اضحی اداره تعطیل است و روزنامه طبع نخواهد شد مشترکین محترم منتظر روزنامه نباشند

— اخطار —

حضرت مستطاب ملاذالانام آقای حاج امام جمعه خوئی سلمه الله تعالی از منزلی که سابق داشتند نقل کرده در خیابان جیراغ کاز بخانهای مرحوم حشمت الدوله اقامت گردیده اند محض آگاهی کسانی که با معظم له طرف مرارده و حاجتند اعلام میشود که بدانجا رجوع نمایند

(حسن الحسینی الکاشانی)